

تجمع بانزستگان شوش مقابل تامین اجتماعی

روز یکشنبه (۲۸ تیرماه) و همزمان با افزایش دمای هوا به یسالای ۵۰درجه و کاهش ساعت کاری ادارات به‌دلیل گرما، جمعی از بانزستگان شوش طبق روال یکشنبه‌های گذشته مقابل اداره کل تامین اجتماعی تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات قانونی و به‌ویژه معوقات خود شدند.به گزارش ایلنا،اجرای صحیح متناسب‌سازی در سال سوم طبق نظر پژوهش‌های مجلس، افزایش مزایا،برقراری مزایای بازماندگان، پرداخت معوقات دوام نخست سال و اجرای ماده ۵۴ درباره درمان رایگان، از مهم‌ترین مطالبات این بانزستستان بود. بانزستستان همچنین با تاکید بر حذف بیمه تکمیلی، خواستار اجرای ماده ۸۹ و اجرای عادلانه ماده ۶۹ برای همه بانزستستان و شاغلان سازمان تامین اجتماعی شدند. آنها همچنین از دولت خواستند استقلال تامین اجتماعی را تضمین کرده وبدی‌خودبه‌این سازمان را پرداخت کند تا به گفته آنها،سازمان بهانه‌ای برای عدم پرداخت معوقات قانونی بانزستستان نداشته باشد.



■ ■ ■

سنگنوی دولت:

وزارت تعاون در حال طراحی بسته‌های حمایتی و اشتغال‌زایی است
سنگنوی دولت از طراحی بسته‌های حمایتی و اشتغال‌زایی برای آسیب‌دیدگان جنگ در وزارت تعاون خبر داد.
فاطمه مهاجرانی روز یکشنبه در جریان بازدید از مناطق آسیب دیده از جنگ‌اخیر در استان بوشهر افزود: بر اثر خسارت‌های واردشده، تعدادی از افراد با مشکل بیکاری مواجه شده‌اند، افرادی که مشمول بیمه بیکاری هستند، روند دریافت حمایت‌های خود را طی می‌کنند، اما گروهی نیز به دلیل نداشتن پوشش بیمه‌ای مناسب، شرایط دشوارتری دارند که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای این افراد نیز در حال طراحی بسته‌های حمایتی و اشتغال‌زایی است و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای نیز با برگزاری دوره‌های مهارتی، پویژه در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، تلاش می‌کند زمینه اشتغال مجدد آنان را فراهم کند. وی در عین حال تصریح کرد: باید توجه داشته باشیم که کشور درگیر یک جنگ همه‌جانبه است و در چنین شرایطی، محدودیت‌های بودجه‌ای نیز وجود دارد.



■ ■ ■

حقوق کارگران تأسیسات دریایی به‌موقع پرداخت نمی‌شود

تداوم تأخیر در پرداخت حقوق جمعی از کارکنان شرکت تأسیسات دریایی شعبه عسلویه،نگرانی‌هایی را برای این نیروها و خانواده‌هایشان به‌دنبال داشته‌است. کارگرانی که می‌گویند با وجود انجام وظایف در شرایط سخت آب‌وهوایی، همچنان چشم انتظار دریافت مطالبات م‌دی خود هستند.

یکی از این کارگران در این رابطه به ایلنا گفت: چندین روز از موعد پرداخت حقوق گذشته‌اما هنوز دریافتی نداشته‌ایم. این موضوع تقریباً به یک مشکل تکراری تبدیل شده‌و هر ماه با نگرانی منتظر واریز حقوق هستیم. او با اشاره به افزایش روزافزون هزینه‌های زندگی افزود: بسیاری از همکاران برای تأمین مخارج روزانه، به پرداخت اجاره منزل، اقساط بانکی و هزینه‌های درمان، ناچار به قرض گرفتن از اطرافیان شده‌اند و ادامه این وضعیت، فشار روحی و اقتصادی سنگینی بر خانواده‌ها وارد کرده‌است.

او اظهار کرد: مردم تصور می‌کنند هر کسی در صنعت نفت و گاز با شرکت‌های وابسته فعالیت می‌کند، از وضعیت مالی مناسبی برخوردار است، در حالی که واقعیت زندگی بسیاری از نیروهای پیمانکاری و شرکتی کاملاً متفاوت است.



وی ادامه داد: وقتی حقوق با تأخیر پرداخت می‌شود، شرمندگی در برابر خانواده، مهم‌ترینغدغه یک پدر یا مادر است. هیچ کارگری دوست ندارد در زندش به دلیل مشکلات مالی، از ابتدایی تیرن‌های زندگی محروم بماند. این کارگر با اشاره به شرایط دشوار کار در عسلویه گفت: فعالیت در گرمای طاقت‌فرسای عسلویه آسان نیست. همه نیروها با وجود شرایط سخت محیط کار، وظایف خود را انجام می‌دهند و انتظار دارند حداقل حقوق قانونی آنان در زمان مقرر پرداخت شود تا بتوانند با آرامش بیشتری به کار خود ادامه دهند.

یکی دیگر از کارگران این شرکت، با اشاره به تکرار این وضعیت گفت: تأخیرهای پی‌درپی در پرداخت حقوق، برنامهریزی مالی خانواده‌ها را مختل کرده است. بسیاری از همکاران دارای چک، اقساط بانکی و تعهدات مالی هستند و هر روز تأخیر، مشکلات زیادی برای آنان ایجاد می‌کند. او با بیان اینکه خواسته کارگران صرفاً پرداخت به‌موقع حقوق است، افزود: ما انتظار ویژه یا مطالبه‌ای خارج از قانون نداریم. تنها درخواست ما این است که حقوقی که در قبال کار و تلاشمان است، در زمان مقرر پرداخت شود تا زندگی خانواده‌هایمان دچار آسیب نشود.

بر اساس گزارش خردادماه شاخص مدیران خرید (شاخص) که از سسوی اتاق بازرگانی منتشر شده، شاخص «میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» همچنان زیر مرز ۵۰ قرار دارد؛ موضوعی که از تداوم کاهش تمایل بنگاه‌ها به جذب نیرو و تشدید فشار بر بازار کار حکایت می‌کند. در کنار آمار رسمی، نشانه‌های افزایش فشار بر بازار کار را می‌توان در وضعیت تقاضابرای فرصت‌های شغلی نیز مشاهده کرد. در چنین شرایطی کارشناسان اقتصادی معتقدند، سیاست‌های حمایتی دولت برای حفظ اشتغال موجود، جلوگیری از تعدیل نیرو و تحریک تقاضای می‌تواند نقش مهمی در کاهش تبعات این شوک اقتصادی داشته باشد. اما بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیا نمی‌شود و نیاز به سیاست‌های مکمل دارد.

در این رابطه «علی حیات‌نیا» اقتصاددان در گفت‌وگو با ایسنا، درباره راهکارهای بلند مدت بهبود وضعیت بازار کار، اظهار کرد: اولین نکته این است که بازار کار بعد از جنگ را نباید فقط با چند بسته حمایتی کوتاه‌مدت تحلیل کرد. وام، معافیت مالیاتی یا بخشودگی بیمه‌ای می‌تواند در کوتاه‌مدت جلوی تعطیلی بعضی بنگاه‌ها را بگیرد اما مساله بازار کار پس از جنگ عمیق‌تر از اینهاست.

او افزود: جنگ معمولاً چند اثر هم‌زمان روی بازار کار می‌گذارد، بخشی از ظرفیت تولید از بین می‌ود، سرمایه‌گذار محتاط می‌شود، نیروی کار مهاجرت می‌کند یا از بازار کار خارج می‌شود، مهارت‌ها فرسوده می‌شوند و مشاغل غیررسمی افزایش پیدا می‌کنند. بنابراین اگر بخواهیم درباره راهکار بلندمدت صحبت کنیم، باید به بازسازی اقتصاد و تولید فکر کنیم، نه فقط حمایت مالی از بنگاه‌ها.

به گفته این اقتصاددان یکی از مهم‌ترین راهکارها این است که برنامه بازسازی کشور به اشتغال وصل شود یعنی اگر قرار است زیرساخت، مسکن، حمل‌ونقل، انرژی یا خدمات شهری بازسازی شود، این پروژه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که نیروی کار داخلی و محلی را جذب کنند. بازسازی نباید فقط به نفع چند پیمانکار بزرگ یا خصولتی تمام شود و باید بنگاه‌های کوچک و متوسط، نیروهای فنی، کارگران محلی و کسب‌کارهای کوچک هم وارد چرخه شوند. وی افزود: نکته دوم، ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری برای فعالان اقتصادی است. کارفرما زمانی نیروی جدید استخدام می‌کند که نسبت به آینده اطمینان نسبی داشته باشد. اگر سیاست‌ارزی، مقررات، قیمت مواد اولیه، مالیات و مجوزهای هر روز تغییر کند، بنگاه ترجیح می‌دهد استخدام نکند یا حتی کوچک‌تر شود. پس بخشی از سیاست اشتغال، اتفاق‌ایرون از وزارت کار تعریف می‌شود و مربوط به سیاست‌های پولی، مالی، ارزی، تجاری و حتی سیاست خارجی است.

حیات‌نیا مساله سوم را مهارت‌آموزی دانست و تاکید کرد: بعد از جنگ، بازار کار به مهارت‌های جدید نیاز دارد، از بازسازی ساختمان و زیرساخت گرفته تا تعمیرات، انرژی، حمل‌ونقل، فناوری اطلاعات، خدمات درمانی و مراقبتی. آموزش فنی و حرفه‌ای همچنان با همان الگوهای قدیمی پیش برود و به نیاز واقعی بنگاه‌ها وصل نباشد، خروجی آن الزاماً به اشتغال منجر نمی‌شود.

سیاست بازار کار نباید به ایجاد شغل منحصر شود

این اقتصاددان با بیان اینکه در کنار اینها باید به بازگشت و حفظ نیروی انسانی هم توجه کرد و یکی از خطرهای مهم پس از جنگ، مهاجرت نیروی متخصص و جوان است، گفت: اگر نیروهای ماهر احساس کنند آینده شغلی، امنیت اقتصادی و امکان پیشرفت ندارند، در کشور یا از بازار رسمی کار خارج می‌شوند. بنابراین سیاست بازار کار فقط درباره ایجاد شغل نیست بلکه نگه داشتن نیروی انسانی هم مهم است.

وی در ادامه درباره موثر بودن سیاست‌های حمایتی که تاکنون اجرا شده نیز توضیح داد: این سیاست‌ها کافی نیستند، البته بی‌اهمیت هم نیستند. در شرایط بحرانی، بنگاه‌ها واقعاً ممکن است به تنفس مالی نیاز داشته باشند. ممکن است لازم باشد دولت برای مدتی حق بیمه، مالیات یا بازپرداخت بدی‌ها را تعدیل کند تا بنگاه زمین نخورد اما اگر این حمایت‌ها به اصلاحات عمیق‌تر

بازار کار پس از جنگ به سختی نفس می‌کشد

خطر عادی‌شدن اشتغال بی‌کیفیت در کشور



وصل نشوند، فقط زمان می‌خرند. مثلاً اگر بنگاه‌ی وام بگیرد اما بازار فروش نداشته باشد، مواد اولیه‌اش گران باشد، نیروی ماهر پیدا کنند یا هر روز با مقررات جدید مواجه شود، آن وام الزاماً به اشتغال پایدار تبدیل نمی‌شود. حتی ممکن است بدهی جدید ایجاد کند. بنابراین حمایت مالی باید مشروط و هدفمند باشد مثلاً به حفظ اشتغال، آموزش نیروی کار، نوسازی تجهیزات، افزایش بهره‌وری یا ورود به بازارهای جدید گره بخورد. حیات‌نیا خاطر نشان کرد: ضعف اصلی معمولاً این است که سیاست‌های مقطعی، واکنشی و غیرقابل ارزیابی هستند یعنی وقتی بحران ایجاد می‌شود، بسته‌ای برای تسهیلات یا تعویق پرداخت‌ها تصویب می‌شود اما روشن نیست این بسته دقیقاً چه هدفی دارد و بعداً چطور باید سنجیده شود. اگر هدف حفظ اشتغال است، باید مشروط و هدفمند باشد حمایت تا چه مدت باید نیروی کار خود را حفظ کند. اگر هدف ایجاد شغل جدید است، باید مشخص شود به ازای هر میزان حمایت، چه تعداد شغل ایجاد شده است. اگر هدف حمایت از بنگاه‌های کوچک است، باید دید واقعاً سهم آنها چقدر بوده است.

به گفته او از طرف دیگر، باید دید حمایت‌ها چقدر هدفمند بوده‌اند. آیا بنگاه‌هایی که واقعاً در آستانه تعطیلی بوده حمایت گرفته یا بنگاهی که دسترسی اداری و بانکی بهتری داشته؟ آیا کارگاه‌های کوچک، زنان سرپرست خانوار، جوانان بیکار، نیروهای فنی و مناطق آسیب‌دیده سهم کافی از سیاست‌ها داشته‌اند؟ اینها پرسش‌های مهمی است. به نظر می‌رسد سیاست‌های حمایتی تازمانی که ارزیابی مستقل و شفاف نداشته باشند، نمی‌توان با قطعیت گفت موفق یا ناموفق بوده‌اند. ممکن است در کوتاه‌مدت از شدت بحران کم کرده باشند اما برای اثر بلندمدت باید ببینیم آیا به افزایش تولید، مهارت، بهره‌وری و اشتغال پایدار منجر شده‌اند یا نه.

درس آموزه‌های جهانی برای احیای اشتغال

حیات‌نیا با بیان اینکه تجربه کشورهایی که بعد از جنگ با بحران‌های بزرگ توانسته‌اند بازار کار خود را احیا کنند، نشان می‌دهد که آنها فقط به پرداخت کمک یا وام اکتفا نکرده‌اند. افزود: اول اینکه این کشورها، بازسازی را به تولید و اشتغال وصل کرده‌اند. دوم اینکه روی مهارت سرمایه‌گذاری کردند. سوم، این کشورها نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط را جدی گرفتند. در خیلی از کشور، اشتغال اصلی را همین بنگاه‌ها ایجاد می‌کنند، نه الزاماً شرکت‌های بزرگ. اگر سیاست‌های بازسازی فقط به پروژه‌های بزرگ و شرکت‌های بزرگ برسد، اثر آن بر اشتغال عمومی محدود می‌ماند. چهارم، ثبات اقتصاد کلان ایجاد کردند. یعنی تورم، بی‌ثباتی پولی، تغییرات شدید نرخ ارز و مقررات متغیر را کنترل کردند. هیچ کارفرمایی در فضای بی‌ثباتی شدید، با خیال راحت استخدام بلندمدت انجام نمی‌دهد. پنجم، نهادهای بازار کار را تقویت کردند؛ مثل بیمه بیکاری، کارایی‌های عمومی، آموزش مجدد، مشاوره شغلی و نظام اطلاعات بازار کار. این نهادها کمک می‌کنند نیروی بیکار سریع‌تر به شغل جدید وصل شود و سیاست‌گذار هم بفهمد بازار دقیقاً به چه مهارت‌هایی نیاز دارد. این اقتصاددان با تاکید بر اینکه هیچ الگویی را نمی‌شود عیناً کپی کرد، گفت: شرایط تاریخی،

سیاسی، جمعیتی و اقتصادی کشورها متفاوت است. اما می‌شود از منطق تجربه آنها استفاده کرد. منطق اصلی این است که اشتغال پایدار از مسیر تولید پایدار، مهارت، سرمایه‌گذاری و ثبات ایجاد می‌شود. اگر فقط به پرداخت وام یا حمایت مقطعی بسنده کنیم، ممکن است بخشی از بحران را عقب بیندازیم اما بازار کار قوی نمی‌سازیم.

به گفته موسوی‌نیک، پژوهشگر اقتصادی نیز در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به وضعیت بازار کار پس از جنگ و برآوردادر رابطه با میزان مشاغل‌ی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، اظهار کرد: حتی در سناریوی خوش‌بینانه نیز اقتصاد با مساله اشتغال مواجه خواهد بود و دولت باید مجموعه‌ای از اقدامات را برای مدیریت این وضعیت انجام دهد. نخستین اقدام این است که درباره واحدهای تولیدی که نیروی کار رسمی و بیمه‌شده دارند، وارد تعامل و گفت‌وگو شود تا این شرکت‌ها از تعدیل نیرو خودداری کنند.

به گفته موسوی‌نیک، تهدید نیروی کار می‌تواند تبعات بلندمدتی برای اقتصاد داشته باشد

بنابراین دولت باید با صنایع بزرگ مانند فولادی‌ها و صنایع کلبیدی وارد گفت‌وگو شود، چراکه حفظ نیروی انسانی هم به نفع دولت و هم به نفع خود این صنایع است. تعدیل مستقیم یا غیرمستقیم نیرو در شرایط فعلی می‌تواند هزینه‌هایی ایجاد کند که خود بنگاه‌ها نیز مجبور به پرداخت آن خواهند بود.

دولت می‌تواند در کوتاه‌مدت از ابزاری مانند تأمین سرمایه در گردش استفاده کند.

اگر بنگاه‌ها منابع کافی ندارند، دولت می‌تواند از طریق تسهیلات به آنها کمک کند تا بتوانند نیروهای خود را حفظ کنند و وضعیت تولید مشخص شود.

این پژوهشگر اقتصادی درباره سراه حمایت از کارگرانی که امکان ادامه فعالیت ندارند، اظهار کرد: برای واحدهای کوچک‌تر باید وضعیت بیمه‌بیکاری مورد توجه قرار بگیرد و حمایت‌های لازم انجام شود. البته تأمین اجتماعی ظرفیت کافی برای پوشش بیمه بیکاری را ندارد و سیستم فعلی برای چنین شرایطی طراحی نشده و در هر زمان کمتر از ۲۰۰ هزار نفر از بیمه‌بیکاری استفاده می‌کنند و این در حالی‌ست که در صد قابل توجهی از افراد بیمه بیکاری پرداخت می‌کنند. بنابراین سازوکار متفاوتی برای این شرایط در نظر گرفته‌شود.

وی با بیان اینکه بخشی از بیکاری‌ها ناشی از جنگ نیست، گفت: بخشی از مشکلات به دلیل کاهش تقاضا و رکود ایجاد شده، به‌خصوص در بخش خدمات. مردم در دوره‌ای که نااطمینانی بالاست، بخشی از خریدها و در یافت خدمات را به تعویق می‌اندازند. همچنین کاهش قدرت خرید باعث شده برخی خدمات با افت فروش و کاهش تقاضا مواجه شوند. در این شرایط، دولت باید به قابل پیش‌بینی کردن سیاست‌های اقتصادی و به نظر می‌رسد باید نظام ارزیابی وجود داشته‌شود هر سیاستی که اجرا می‌شود باید بعد از چند ماه قابل سنجش باشد. اگر ندانیم کدام سیاست جواب داده و کدام نداده، دوباره همان خطاها را تکرار می‌کنیم.

وی افزود: در سطح چهارم، باید محیط کسب‌و کار اصلاح شود؛ یعنی کاهش نااطمینانی، ثبات مقررات، تسهیل مجوز، مبارزه با فساد و تقاضا مواجه شوند. در این شرایط، دولت باید به قابل پیش‌بینی کردن سیاست‌های اقتصادی و به نظر می‌رسد باید نظام ارزیابی وجود داشته‌شود هر سیاستی که اجرا می‌شود باید بعد از چند ماه قابل سنجش باشد. اگر ندانیم کدام سیاست جواب داده و کدام نداده، دوباره همان خطاها را تکرار می‌کنیم.

مهم‌ترین خطر، عادی‌شدن اشتغال بی‌کیفیت است

این اقتصاددان با بیان اینکه مهم‌ترین خطر، عادی‌شدن اشتغال بی‌کیفیت است، تصریح کرد: ممکن است آمار اشتغال بهتر شود اما بخش بزرگی از مردم در مشاغل ناپایدار، کم‌درآمد، بدون بیمه و بدون امنیت شغلی کار کنند. این وضعیت در بلندمدت هم به فقر شاغلان منجر می‌شود، هم بهره‌وری اقتصاد را پایین نگه می‌دارد.

وی افزود: چالش دیگر خروج نیروی انسانی

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

چند پیشنهاد برای حفظ اشتغال

«هادی موسوی‌نیک» پژوهشگر اقتصادی نیز در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به وضعیت بازار کار پس از جنگ و برآوردادر رابطه با میزان مشاغل‌ی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، اظهار کرد:

حتی در سناریوی خوش‌بینانه نیز اقتصاد با مساله اشتغال مواجه خواهد بود و دولت باید مجموعه‌ای از اقدامات را برای مدیریت این وضعیت انجام دهد. نخستین اقدام این است که درباره واحدهای تولیدی که نیروی کار رسمی و بیمه‌شده دارند، وارد تعامل و گفت‌وگو شود تا این شرکت‌ها از تعدیل نیرو خودداری کنند.

به گفته موسوی‌نیک، تهدید نیروی کار می‌تواند تبعات بلندمدتی برای اقتصاد داشته باشد

بنابراین دولت باید با صنایع بزرگ مانند فولادی‌ها و صنایع کلبیدی وارد گفت‌وگو شود، چراکه حفظ نیروی انسانی هم به نفع دولت و هم به نفع خود این صنایع است. تعدیل مستقیم یا غیرمستقیم نیرو در شرایط فعلی می‌تواند هزینه‌هایی ایجاد کند که خود بنگاه‌ها نیز مجبور به پرداخت آن خواهند بود.

دولت می‌تواند در کوتاه‌مدت از ابزاری مانند تأمین سرمایه در گردش استفاده کند.

اگر بنگاه‌ها منابع کافی ندارند، دولت می‌تواند از طریق تسهیلات به آنها کمک کند تا بتوانند نیروهای خود را حفظ کنند و وضعیت تولید مشخص شود.

این پژوهشگر اقتصادی درباره سراه حمایت از کارگرانی که امکان ادامه فعالیت ندارند، اظهار کرد:

برای واحدهای کوچک‌تر باید وضعیت بیمه‌بیکاری مورد توجه قرار بگیرد و حمایت‌های لازم انجام شود. البته تأمین اجتماعی ظرفیت کافی برای پوشش بیمه بیکاری را ندارد و سیستم فعلی برای چنین شرایطی طراحی نشده و در هر زمان کمتر از ۲۰۰ هزار نفر از بیمه‌بیکاری استفاده می‌کنند و این در حالی‌ست که در صد قابل توجهی از افراد بیمه بیکاری پرداخت می‌کنند. بنابراین سازوکار متفاوتی برای این شرایط در نظر گرفته‌شود.

وی با بیان اینکه بخشی از بیکاری‌ها ناشی از جنگ نیست، گفت: بخشی از مشکلات به دلیل کاهش تقاضا و رکود ایجاد شده، به‌خصوص در بخش خدمات. مردم در دوره‌ای که نااطمینانی بالاست، بخشی از خریدها و در یافت خدمات را به تعویق می‌اندازند. همچنین کاهش قدرت خرید باعث شده برخی خدمات با افت فروش و کاهش تقاضا مواجه شوند. در این شرایط، دولت باید به قابل پیش‌بینی کردن سیاست‌های اقتصادی و به نظر می‌رسد باید نظام ارزیابی وجود داشته‌شود هر سیاستی که اجرا می‌شود باید بعد از چند ماه قابل سنجش باشد. اگر ندانیم کدام سیاست جواب داده و کدام نداده، دوباره همان خطاها را تکرار می‌کنیم.

وی افزود: چالش دیگر خروج نیروی انسانی

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با مسکن‌های کوتاه‌مدت احیامی‌شود. حمایت‌هایی مثل وام، معافیت مالیاتی و بیمه‌ای لازم‌اند اما کافی نیستند. راه‌حل بلندمدت در پیوند بازسازی با تولید، مهارت‌آموزی، ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه انسانی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و ارزیابی دقیق سیاست‌هاست. تجربه کشورهای موفق هم نشان می‌دهد که اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سیاست بازار کار بخشی از یک برنامه بزرگ‌تر توسعه و بازسازی باشد. اگر بازار کار را جداز تولید، آموزش، سرمایه‌گذاری و حکمرانی ببینیم، سیاست‌ها بیشتر حالت مسکن پیدا می‌کنند تا درمان.

است. اگر جوانان و نیروهای ماهر احساس کنند آینده‌ای در بازار کار ندارند یا مهاجرت می‌کنند یا وارد فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند. بازسازی بازار کار بدون حفظ سرمایه اشتغال ممکن نیست. به علاوه چالش دیگر هم در حوزه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت است. اگر نگاه سیاست‌گذار فقط این باشد که چند ماه بحران را کنترل کند، ممکن است فرصت بازسازی ساختاری از دست برود. به‌طور خلاصه باید گفت بازار کار بعد از جنگ با